

طفلی به نام شادی



«طفلی به نام شادی» آخرین مجموعه شعر شفيعی کدکنی است که شامل شعرهای او پس از سال ۷۶ است. این مجموعه پس از بیست و سه سال در اختیار مخاطبان قرار گرفته است. شفيعی در مقدمه کتاب نوشته: «در تمام مدت شاعری من که عمری شصت و چند ساله دارد... نه وزن را رها کرده‌ام و نه قافیه را و نه معنی را، نه عشق را و نه تأملات وجودی را و نه ایران را.» این مجموعه شامل پنج دفتر است...

ادوار شعر فارسی



شفيعی کدکنی در این کتاب ادوار شعر فارسی را از مشروطیت تا سقوط سلطنت بررسی می‌کند. این کتاب از سخنرانی‌های دکتر شفيعی کدکنی برای دانشجویان خود در کلاس درس تشکیل شده است. به عبارتی می‌توان گفت این کتاب گفت‌وگوهایی در جمع دانشجویان دانشکده ادبیات تهران بوده که اکنون از مخاطبان وسیع‌تری برخوردار خواهد بود...

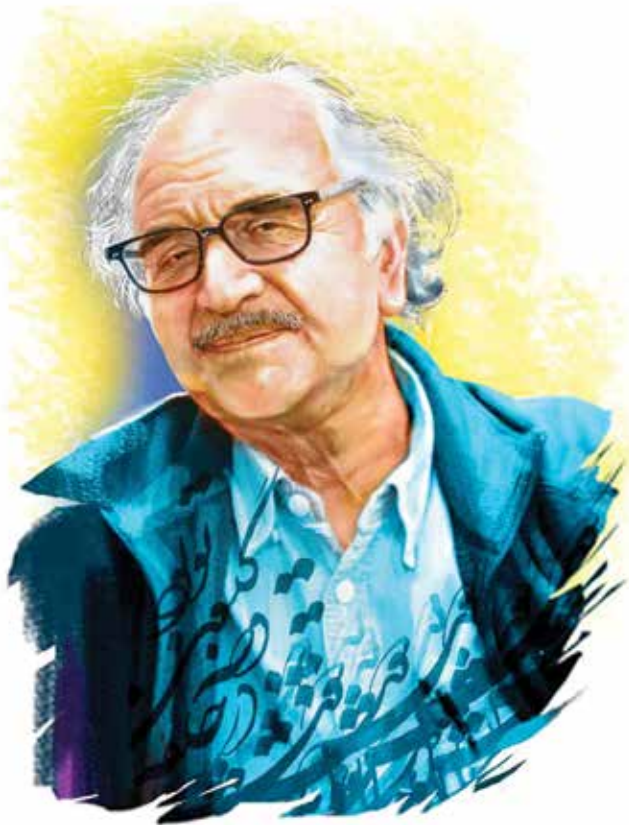
موسیقی شعر



این کتاب درباره موسیقی و وزن و قافیه‌های شعری است. اصل این کتاب در واقع پایان‌نامه لیسانس شفيعی کدکنی است. در آغاز فصل اول این کتاب آمده است: ممکن است فردا، یا همین امروز عصر، عقیده دیگری داشته باشم ولی در این لحظه با اطمینان خاطر می‌توانم بگویم: شعر حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد و در حقیقت، گوینده شعر، با شعر خود، عملی در زبان، انجام می‌دهد که خواننده، میان زبان شعری او، و زبان روزمره و عادی تمایزی احساس می‌کند...

شعر شقایق و شوق

به سبب محتوای سیاسی و اجتماعی، در کوچه‌های نشابور مورد توجه قرار گرفت



رحیم پاک‌نژاد روزنامه‌نگار و منتقد

محمدرضا شفيعی کدکنی را امروز بیشتر به‌عنوان استاد طراز اول ادبیات فارسی می‌شناسیم که کلاس‌های شلوغ و پررفت‌وآمدی در دانشگاه تهران دارد. همچنین احیای میراث عرفانی «پیران خراسان»، تصحیح انتقادی برخی از مهم‌ترین متون صوفیه (نظیر منطق‌الطیر و تذکره‌الاولیاء) و نوشته‌های او درباره شعر معاصر، از جمله فعالیت‌های پژوهشی شفيعی کدکنی است که همواره مورد توجه قرار گرفته است.

تنوع آثار شفيعی کدکنی، از او محقق، مصحح و مترجمی نام‌آشنا ساخته که در سال‌های اخیر و خصوصاً به‌جهت فراگیری شبکه‌های اجتماعی، حضوری پررنگ‌تر از همیشه در عرصه فرهنگ یافته. علاوه بر اینها، شفيعی کدکنی (م. سرشک) شاعری است شهیر که بسیاری از سروده‌های او این توفیق را پیدا کرده‌اند که در خاطر پیر و جوان جاودانه گردند. شعرهایی نظیر «به کجا چنین شتابان» و «نفسم گرفت از این شب» و «فهرست کتاب آرزوهای منی» از جمله مشهورترین سطرهای شعر معاصرند که نام م. سرشک را به‌عنوان شاعر بر تارک خود دارند.

کارنامه شفيعی کدکنی در عرصه شعر، درست مثل دیگر فعالیت‌های او در گستره ادبیات فارسی پرپرگ‌وبار و مفصل است. به‌همین جهت، بسیاری از منتقدان و صاحب‌نظران در تمام این سال‌ها، کوشیده‌اند ابعادی از جهان شعر او را بکاوند و دلایل ضعف و قوت آن را نشان دهند. شفيعی کدکنی پس از سال‌ها خاموشی، در بهار ۱۳۹۹، مجموعه‌ی «طفلی به نام شادی» (نشر سخن) را منتشر کرد که شامل تازه‌ترین اشعار او بود. استقبال وسیع مخاطبان از این مجموعه سبب شد

که تنها پس از یک هفته، به چاپ دوم برسد. این، آخرین کتاب شعر م. سرشک است که تاکنون منتشر شده و اولین دفتر شعر او با نام «شبخوانی» در خرداد ۱۳۴۴ در مشهد و با نامه‌ای از مهدی اخوان‌ثالث (ذیل مقدمه کتاب) چاپ شد. گویا این دفتر چندان مورد توجه قرار نگرفت و فقط آیدین آغداشلو با نام مستعار فرامرز خیبری نقدی بر آن نوشت (مجله اندیشه و هنر، ش ۷، مهر ۱۳۴۴). به‌زعم این منتقد که گویا شعر شفيعی کدکنی را نپسندیده بود، بسیاری از شعرهای شبخوانی تحت‌تأثیر جهان شعر اخوان بود و ضمناً از پرگویی رنج می‌برد و نیز شاعر نتوانسته بود «فکر ابتدایی را در شعر صحیح بسط دهد» به تعبیر شمس لنگرودی این دفتر شعر، مجموعه‌ای «نوقدمایی-نیمایی» با درونمایه سیاسی بود که رنگ‌وبویی از زبان ابتهاج و اخوان داشت.

دو ماه پس از چاپ «شبخوانی»، و در مرداد ۱۳۴۴، م. سرشک «زمزمه‌ها» را در مشهد منتشر کرد که بخش عمده آن شامل غزل‌های او می‌شد؛ غزل‌هایی پرسوزوگداز و لطیف که طبیعتاً تحت‌تأثیر حال‌وهوای ایام جوانی و بر قاعده «چنان که افتد و دانی» سروده شده بود. شفيعی کدکنی در مقدمه کتاب نوشته بود که احساس می‌کند «چندی است در مسیر دیگری» افتاده و حتی «تغنی عاشقانه» اش نیز «در قالب و فضایی دیگر است»، و توضیح داد که دلیل چاپ زمزمه‌ها «فاصله‌گرفتن از این فضا و اندیشه‌ها» است. برخی از غزل‌های مشهور م. سرشک برای نخستین بار در همین دفتر شعر، درج شده:

دارم سخنی با تو و گفتن نتوانم
وین درد نهان سوز نهفتن نتوانم
یا:
دست به‌دست مدعی شانه‌به‌شانه
می‌روی
آه که با رقیب من جانب خانه می‌روی
یا:

من می‌روم ز کوی تو و دل نمی‌رود
این زورق شکسته ز ساحل نمی‌رود
پس از «زمزمه‌ها» نوبت «از زبان برگ» بود که در اردیبهشت ۱۳۴۷ و در تهران منتشر شد. نوشته‌اند که شفيعی کدکنی در این دفتر شعر با فاصله‌گرفتن از زبان اخوان توانست در راستای استقلال زبانی حرکت کند. از ویژگی‌های شعر م. سرشک در این مجموعه، می‌توان به لطافت، خوش‌سازگاری و طبیعت‌گرا بودن آن اشاره کرد. از زبان برگ از جهت دیگری نیز مورد توجه قرار گرفت و آن‌هم ظهور نشانه‌های فرهنگ اسلامی در شعر نو بود. مایه‌های اجتماعی این دفتر شعر نیز سبب شد که شعر شفيعی کدکنی مورد توجه قرار بگیرد. هرچند شفيعی کدکنی شیفته طبیعت بود و هست، اما در این مجموعه شعر «طبیعت را در برابر مدنیت گزیده است» و صفا و صمیمت روستا را بر ازدحام و ناپاکی شهر رجحان می‌دهد:

سفر ادامه دارد و من از درپچه‌ترن
به کوه‌ها و دشت‌ها، سلام عاشقانه‌ای
- که جویبار روشنی است در کویر سوختن-
روانه می‌کنم...

و سطرهایی ماندگار که سرشار از حس
غربت و دل‌تنگی است:
ای کاش آدمی وطنش را
مثل بنفشه‌ها
(در جعبه‌های خاک)
یک روز می‌توانست
همراه خویشتن ببرد هر کجا که خواست
در روشنای باران
در آفتاب پاک.

در این دفتر شعر شفيعی کدکنی، طبیعت نمود واضح و مکرری دارد، اما مایه‌های سیاسی و اجتماعی بعضاً صریح و تندوتیزی نیز در آن به چشم می‌خورد:
اگر یکی ز شهیدان لاله
- کشته‌ی تبر
ز خاک برخیزد